

تأثیر روش آموزش دوجانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جویین سبزوار

دکتر اسماعیل بیابانگرد، ابوالقاسم شکیبا**

چکیده

این پژوهش به منظور تعیین اثر بخشی روش آموزش دو جانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جویین سبزوار انجام شد. در این پژوهش از طرح آزمایشی پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جویین سبزوار تشکیل می داد. از این جامعه ۳۲ نفر به صورت تصادفی انتخاب و به دو گروه ۱۶ نفری تقسیم شدند، که یک گروه به عنوان گروه آزمایش و گروه دیگر گروه کنترل را تشکیل می داد. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ در گروه آزمایش روش آموزش دو جانبه به کار بسته شد و گروه کنترل با روش آموزشی معلم (روش معمولی یا سنتی) آموزش می دید. سپس پس آزمون درک مطلب و رشد اجتماعی از هر دو گروه به عمل آمد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل آزمون های ریورسال، درک مطلب شماره ۱ و ۲ و مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند بود. برای تحلیل داده ها از آزمون آماری t مستقل به منظور مقایسه اختلاف میانگین های پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه استفاده شد. نتایج حاصله نشان داد که دانش آموزان نارساخوانی که با روش آموزش دوجانبه آموزش دیده بودند، درک مطلب و رشد اجتماعی بالاتری نسبت به دانش آموزان نارساخوانی که از روش معمولی معلم استفاده کرده بودند، از خود نشان دادند.

واژه های کلیدی: آموزش دو جانبه، درک مطلب خواندن، رشد اجتماعی، نارساخوانی

مقدمه

E-mail: Biabanwand@yahoo.com

* استادیار روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد روان شناسی

گروهی از کودکان هستند که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است و هوششان کم و بیش عادی است، به خوبی صحبت می‌کنند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند، لیکن وقتی به مدرسه می‌روند و می‌خواهند خواندن، نوشتن و حساب یادگیرند دچار مشکلات جدی می‌شوند. این کودکان که در ابتدا اطمینان کافی به پیشرفت تحصیلی خود دارند، به تدریج درمی‌یابند که سایر کودکان وضع درسی بهتری از آنان دارند و با گذشت چند ماهی از سال اول تحصیلی در دبستان کم‌کم خود را متفاوت از دیگران می‌بینند و چه بسا احساس حقارت به آنها دست می‌دهد و اندک اندک اضطراب و بی‌اعتمادی در این کودکان ایجاد می‌شود و مشکل را کاملاً درونی و گاه به کلی علاج ناپذیر می‌کند (والاس و مک لافلین، ترجمه منشی طوسی، ۱۳۶۹).

مهمترین عامل عدم موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه، مشکلات خواندن دانسته شده است و برخی از دست‌اندرکاران بر این باورند که ۸۵ تا ۹۰ درصد کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری، مشکلات خواندن دارند (کارلوگر و کالسون، ۱۹۷۸ به نقل از تبریزی، ۱۳۸۰). برخی پژوهشگران معتقدند که بیش از ۲۵ درصد ناکامی‌های کودکان در کلاسهای ابتدایی از ناتوانی خواندن سرچشمه می‌گیرد. در تحقیقی که آزاد (۱۳۵۲) در زمینه میزان شیوع نارساخوانی^۱ در تهران انجام داد میزان شیوع نارساخوانی را در مدارس دولتی ۱۵/۱ درصد و مدارس ملی ۶ درصد برآورد کرد که این آمار نشان از تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی در بروز نارساخوانی است. از جمله عواملی که می‌تواند باعث بروز نارساخوانی شود می‌توان به عوامل آموزشی (برونر و کوهن، ۱۹۷۱)، تغذیه و بهداشت و سلامتی (کوت، ۱۹۷۲، واندریج، ۱۹۷۳)، فقدان تحریکات حسی (کفارت، ۱۹۷۱) و عوامل ژنتیکی (هالگران، ۱۹۵۰) اشاره کرد (حسینی گوران آباد، ۱۳۷۴).

با توجه به اهمیت فوق‌العاده خواندن، در دهه‌های اخیر متخصصان روانشناسی به طرف راهبردهای شناختی و فراشناختی^۲ روی آورده‌اند. راهبردهای شناختی و فراشناختی تکنیک‌هایی جهت درک مطلب مؤثر یک متن هستند (سیف، ۱۳۷۹). دانش آموزان با ناتوانی‌های خفیف ممکن است مهارت‌های لازم در رمز گشایی یا بازگشایی کلمه و تعیین اندیشه اصلی را کسب کرده باشند، احتمال دارد در درک مطلب^۳ آنچه که می‌خوانند مشکل داشته باشند. خوانندگان خوب می‌توانند مطالب را خلاصه یا بازگویی

کنند و از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده کنند ولی خوانندگان ضعیف در به کارگیری خودبخودی راهبرد نظارت بر درک مطلب ناتوان هستند (آوانسیان، ۱۳۷۷). یکی از روشهایی که برای آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی ابداع شده، روش آموزش دوجانبه^۴ است. در این روش سعی می‌شود که چهار راهبرد سؤال کردن، خلاصه کردن، پیش‌بینی کردن و توضیح دادن نکات پیچیده به دانش‌آموزان آموزش داده شود. در این روش دانش‌آموزان بصورت گروهی با هم کارکرده و به بحث و تبادل نظر می‌پردازند (سیف، ۱۳۷۹). روش آموزش دو جانبه باعث بهبود درک مطلب دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و هم چنین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شده است (پالینسکار و براون، ۱۹۸۴) این روش بر روی دانشجویان مشروطی (هارت و اسپیس، ۱۹۹۸) و کودکانی که اختلالات یادگیری دارند و هم چنین دانش‌آموزانی که دو زیانه هستند (کلینجر، ژانت، کتمن، ۱۹۹۴) مؤثر بوده است.

با توجه به آنچه بیان شد ضرورت انجام این پژوهش نمایان می‌گردد.

فرضیه‌ها

۱- درک مطلب خواندن دانش‌آموزان نارسا خوان پایه پنجم ابتدایی که با روش آموزش دو جانبه آموزش می‌بینند، نسبت به دانش‌آموزان نارسا خوانی که با روش معمول معلم آموزش می‌بینند، بهتر است.

۲- رشد اجتماعی دانش‌آموزان نارسا خوان پایه پنجم ابتدایی که با روش آموزش دو جانبه آموزش می‌بینند، نسبت به دانش‌آموزان نارسا خوانی که با روش معمول معلم آموزش می‌بینند، بالاتر است.

روش

الف) جامعه آماری و گروههای نمونه

جامعه مورد پژوهش در تحقیق حاضر، دانش‌آموزان پسر نارسا خوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جویین سبزوار بود. نمونه پژوهش شامل ۳۲ دانش‌آموز پسر نارسا خوان بود که براساس ویژگی‌های سنی (۱۱ تا ۱۳ سال) و پایه تحصیلی پنجم دبستان هم‌تاسازی شدند و سپس در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند.

ب) متغیرهای پژوهش

- ۱- متغیر مستقل: روش آموزش
- ۲- متغیرهای وابسته: درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی
- ۳- متغیرهای کنترل: جنس و سن

ج) ابزار اندازه‌گیری و روش اجرا

ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از:

۱- آزمون شکلهای معکوس شده (ریورسال)^۵ که برای تشخیص نارساخوانی مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون توسط ادفیلدت در سال ۱۹۵۵ در دانشگاه استکهلم ساخته شده است و یک ابزار بسیار مهم در زمینه تشخیص خواندن در کودکان پیش دبستانی و دبستانی است. این آزمون در ایران توسط آزاد (۱۳۵۳) بر روی ۱۱۲۸ دانش‌آموز کلاس اول و دوم ابتدایی شهر تهران اجرا شد و نورمهای دهکی آزمون بدست آمده است.

در تحقیق دیگری باقری صمغ‌آبادی (۱۳۷۷) به بررسی و مقایسه عملکرد دانش‌آموزان مبتلا به اختلال خواندن و دانش‌آموزان عادی مقطع ابتدایی شهرستان اسلامشهر در آزمون شکل‌های معکوس شده (ریورسال) پرداخت. در این تحقیق ابتدا دو گروه دانش‌آموز نارسا خوان و عادی مشخص شدند، سپس آزمون شکل‌های معکوس شده (ریورسال) روی آن‌ها اجرا گردید. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان نارسا خوان به طور معنی‌داری میزان اشتباهات بیشتری در این آزمون داشته‌اند و این آزمون به خوبی قادر به تمییز دانش‌آموزان نارساخوان از عادی است.

۲- آزمون درک مطلب شماره ۱: این آزمون محقق ساخته شامل ۲۰ سؤال سه گزینه‌ای است که از متن «اولین موتور بنزینی» از مجله رشد نوجوان گرفته شد. برای تعیین پایایی^۶ آزمون از روش دو نیمه کردن استفاده شد یعنی آزمون اجرا شده به دو نیمه به صورت تصادفی تقسیم شد و ضریب همبستگی بین دو نیمه‌های آزمون با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون ۰/۷۸ بدست آمد. برای تعیین روایی^۷ آزمون از روایی صوری^۸ استفاده شد. به این صورت که از ده معلم پایه پنجم ابتدایی خواسته شد تا هر کدام از این سوالات را طبق یک مقیاس پنج درجه‌ای مورد قضاوت قرار دهند. سؤالاتی که نامناسب تشخیص داده شدند حذف گردیدند.

۳- آزمون درک مطلب شماره ۲: این آزمون محقق ساخته شامل ۲۰ سؤال سه گزینه‌ای می‌باشد که از متن «ستاره‌ها» از کتاب ستاره‌ها تألیف پاتریک مورو ترجمه محمد صادق شریعتی انتخاب شد. پایایی آزمون با استفاده از روش دو نیمه کردن ۰/۷۴ بدست آمد و روایی صوری آزمون هم با استفاده از قضاوت ۱۰ نفر از معلمان کلاس پنجم ابتدایی تأیید شد.

برای هم‌تا کردن دو آزمون درک مطلب شماره ۱ و ۲، در فرم نهایی هر آزمون از سؤالاتی استفاده شد که دارای ضریب تمیز و ضریب دشواری یکسانی باشند. در مجموع برای هر آزمون بیست سؤال انتخاب شد.

۴- مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند^۹: این مقیاس یکی از مقیاسهای اندازه‌گیری توانایی‌های رشد یافته است و میزان توانایی فرد در تأمین نیازهای عملی و توانایی مسئولیت‌پذیری وی را می‌سنجد. اگر چه این مقیاس، گستره سنی تولد تا ۲۵ سالگی را دربرمی‌گیرد، اما نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که روایی و پایایی آن در سنین پایین‌تر و بویژه در گروه‌های کم‌توان ذهنی از قوت بیشتری برخوردار است (حسینی گوران آباد، ۱۳۷۴)

ثبات درونی این مقیاس برابر با ۰/۸۹ است. برای به دست آوردن پایایی مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شد. پس از گذشت چهار هفته و اجرای مجدد بر روی ۵۰ نفر از ۵۶۰ آزمودنی اولیه ضریب همبستگی برای کل مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد (سوری، ۱۳۷۶).

۵- آزمون هوشی ریون کودکان.

د) روش اجرا

برای اجرای این تحقیق ابتدا ۳۲ دانش‌آموز مبتلا به نارسا خوانی به صورت تصادفی به دو گروه ۱۶ نفری آزمایش و گواه تقسیم شدند. آنگاه آزمون درک مطلب شماره ۱ و مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند بر روی هر دو گروه اجرا شد. نحوه اجرای آزمون درک مطلب به این صورت بود که ابتدا متن مورد نظر به دانش‌آموزان داده شد تا آن را مطالعه کنند، پس از جمع‌آوری متن‌ها، دانش‌آموزان به سؤالات مرتبط با آن متن‌ها پاسخ می‌دادند. بعد از اجرای پیش آزمون، گروه آزمایش به مدت ۱۵ جلسه و هر

جلسه ۴۵ دقیقه، با استفاده از روش آموزش دوجانبه، متون در نظر گرفته شده که عمدتاً محتوای داستانی و علمی داشتند را آموزش می‌دیدند و در گروه کنترل هم همان متون با روش آموزشی معمولی معلم آموزش داده می‌شد. پس از ۱۵ جلسه آموزشی (هر هفته دو جلسه) مجدداً مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند و آزمون درک مطلب شماره ۲ بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد.

هـ) تحلیل داده‌ها

طرح این پژوهش، آزمایشی و از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود که برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون آماری t استودنت به منظور مقایسه اختلاف پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه استفاده شد.

یافته‌ها

الف- آزمون فرضیه اول: برای آزمون فرضیه اول، اختلاف پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه بدست آمد، سپس میانگین اختلافهای دو گروه با استفاده از آزمون t مورد مقایسه قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- نتایج مقایسه میانگین اختلاف پیش آزمون و پس آزمون در متغیر درک مطلب

آزمون ۱ برای مقایسه میانگین‌ها						آزمون لون برای برابری واریانس‌ها	
انحراف استاندارد اختلاف	تفاوت میانگین	معناداری (دو دانه)	df	t	معناداری	آزمون F	
۰/۵۰	۳/۶۳	۰/۰۰	۳۰	۷/۲۰	۰/۱۶۵	۲/۰۲	فرض برابری واریانس‌ها
۰/۵۰	۳/۶۳	۰/۰۰	۲۹/۶	۷/۲۰			فرض نابرابری واریانس‌ها

همان طور که در جدول نشان داده شده است، میزان t بدست آمده ۷/۲۰ می‌باشد که در سطح $p < ۰/۰۱$ از لحاظ آماری معنادار است و فرضیه اول تایید می‌شود، یعنی دانش‌آموزان نارسا خوانی که با روش آموزش دوجانبه آموزش دیده بودند از نظر آماری به طور معنی‌داری درک مطلب بهتری داشتند.

ب- آزمون فرضیه دوم: برای آزمون فرضیه دوم، ابتدا اختلاف پیش آزمون و پس آزمون رشد اجتماعی از هر دو گروه بدست آمد، سپس میانگین اختلافهای دو گروه با استفاده از آزمون t مستقل مورد مقایسه قرار گرفت. که نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- نتایج مقایسه میانگین اختلاف پیش آزمون و پس آزمون در متغیر درک مطلب

آزمون t برای مقایسه میانگین ها						آزمون لون برای برابری واریانس ها	
معناداری	t	df	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد اختلاف	آزمون F	
۰/۰۰۲	۲/۴۷	۳۰	۰/۱۹	۰/۹۳	۰/۳۷	۱۱/۳۱	فرض برابری واریانس ها
۰/۰۰۲	۲/۴۷	۲۲/۶۸	۰/۰۲۱	۰/۹۳	۰/۳۷		فرض نابرابری واریانس ها

همان طور که در جدول نشان داده شده، میزان t به دست آمده ۲/۴۷ می باشد که در سطح $p < ۰/۰۵$ فرضیه دوم تایید می شود. یعنی دانش آموزان نارساخوانی که با روش آموزش دوجانبه آموزش دیده بودند از نظر آماری به طور معنی داری رشد اجتماعی بالاتری داشتند.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور تعیین اثر بخشی روش آموزش دوجانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش آموزان نارسا خوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جویین سبزوار انجام شد. نتایج نشان داد که روش آموزش دوجانبه موجب افزایش سطح درک مطلب خواندن دانش آموزان نارسا خوان می شود.

یافته های این تحقیق با یافته های تحقیقات گذشته همخوان است، برای مثال، در مطالعاتی که پالینکسار و براون (۱۹۸۴)، کلینجر، ژانت و کتمن (۱۹۹۶) و هارت و اسپیس (۱۹۸۸) و متولی (۱۳۷۶) و آوانسیان (۱۳۷۷) انجام دادند، به تأثیر روش آموزش دوجانبه بر درک مطلب خواندن پی بردند.

با توجه به یافته‌هایی که در این تحقیق و در تحقیقات گذشته به دست آمده است می‌توان ادعا کرد که دانش‌آموزان نارسا خوان اکثرأ در به کارگیری راهبردهای شناختی و فراشناختی درموقع خواندن ناموفق هستند. این در حالی است که حتی برخی از این دانش‌آموزان در تشخیص حروف و هجی کردن آنها هیچ مشکلی ندارند و تنها مشکل آنها این است که در استفاده درست و به جا از راهبردهای شناختی و فراشناختی ناتوان هستند.

طبق یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق، آموزش دوجانبه همچنین در بالا بردن رشد اجتماعی در دانش‌آموزان نارساخوان مؤثر است. این یافته با نتایج تحقیق جانسون، دیوید بلیو، جانسون و راجرتی و تایلر و باربارا (۱۹۹۳) همخوان است. در این تحقیق که برای سنجش یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و عزت نفس و رشد اجتماعی دانش‌آموزان انجام شد به این نتیجه رسیدند که یادگیری مشارکتی بر یادآوری مطالب و همچنین عزت نفس و رشد اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشد. علت تأثیر آموزش دوجانبه بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان ناشی از نقش مشارکتی و گروهی کارکردن دانش‌آموزان می‌باشد، به این صورت که در روش آموزش دوجانبه، شرایط طوری ترتیب داده می‌شود که دانش‌آموزان یک متن را با مشارکت افراد دیگر گروه می‌خوانند و درباره آن بحث و تبادل نظر می‌کنند. این روش باعث رشد اجتماعی و افزایش توانایی صحبت کردن دانش‌آموزان در جمع می‌شود.

همچنین معلمان دانش‌آموزان نارسا خوانی که با روش آموزش دوجانبه آموزش دیده بودند، اظهار می‌داشتند که این دانش‌آموزان بعد از آموزش، در جریان بحث‌های کلاسی بیشتر شرکت می‌کنند و بیشتر از قبل تلاش دارند که داوطلبانه به سؤالات جواب دهند و تمایل بیشتری به خواندن از خود نشان می‌دهند و حتی این دانش‌آموزان بیشتر به طرف کتاب‌های غیردرسی مثلاً کتاب‌های داستان روی آوراند.

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که روش آموزش دوجانبه هم به خاطر اینکه به صورت مشارکتی انجام می‌شود و فرد با دیگران بحث و تبادل نظر می‌کند و هم به خاطر اینکه در این روش چهار راهبرد مهم شناختی و فراشناختی که برای یادگیری یک مطلب ضروری است آموزش داده می‌شود، یک روش آموزشی بسیار مهم برای کلیه دانش‌آموزان بخصوص برای دانش‌آموزان ناتوان در خواندن و فهمیدن می‌باشد. استفاده

مداوم دانش‌آموزان از این روش هم باعث پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در توانایی خواندن و فهمیدن آنها می‌شود و هم در رشد اجتماعی و عاطفی آنها تأثیر دارد.

کاربردهای عملی تحقیق

- ۱- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دانش‌آموزان نارساخوان در بکارگیری راهبردهای شناختی و فراشناختی ناتوان هستند. معلمان می‌توانند با استفاده از روش آموزش دوجانبه، این راهبردها را به دانش‌آموزان آموزش دهند.
- ۲- مسئولین آموزش و پرورش می‌توانند برای معلمان مقاطع تحصیلی مختلف، به خصوص برای معلمانی که با کودکان نارساخوان سروکار دارند، کلاسهای آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی طراحی نمایند و به خصوص روش آموزش دوجانبه را برای آنها تشریح کنند.
- ۳- مسئولین آموزش و پرورش می‌توانند برنامه‌های آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی را به زبان ساده، بخشی از تمرین کتابهای درسی قرار دهند تا دانش‌آموزان با استفاده از آنها، توانایی خود را در خواندن بالا ببرند.
- ۴- معلمین می‌توانند برای بالا بردن رشد اجتماعی دانش‌آموزان، بویژه دانش‌آموزان نارساخوان از آموزش‌های مشارکتی، به خصوص از روش آموزش دو جانبه استفاده نمایند.



یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|---|
| 1) Dyslexia | 2) Cognitive and metacognitive strategies |
| 3) Comprehension | 4) Reciprocal teaching |
| 5) Reversal test | 6) Reliability |
| 7) Validity | 8) Face validity |
| 9) Vineland Social Maturity Scale | |

منابع

آزاد، حسین (۱۳۵۲). تحقیقی در مورد دیسلکسی، مجله تربیتی جندی شاپور، شماره اول و دوم، سال دوم.

آوانسیان، اما (۱۳۷۷). نقش آموزش راهبردهای فراشناختی بر درک مطلب و سرعت یادگیری دانش‌آموزان دختر مدارس دو زبانه مقطع راهنمایی شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه علامه طباطبائی.

تبریزی، مصطفی (۱۳۸۰). *درمان اختلالات خواندن*. تهران: نشر گفتمان خلاق.
حسینی گوران آباد، علی (۱۳۷۴). بررسی ویژگی‌های ادراک بینایی کودکان نارساخوان و مقایسه آن با ویژگی‌های ادراک بینایی کودکان عادی مقطع ابتدایی شهر نقده. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه علامه طباطبائی.

سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). *روانشناسی پرورشی، روانشناسی آموزش و یادگیری*. تهران: انتشارات آگاه.

متولی، محمد (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی درک مطلب خواندن و سرعت یادگیری دانش‌آموزان کلاسهای اول دبیرستان‌های دخترانه شهرستان فردوس. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه علامه طباطبائی.

والاس و مک لافلین (۱۳۶۹). *ناتوانی‌های یادگیری*. ترجمه محمد تقی منشی طوسی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

Hart, Ellen- R; Speece, Deborah – L(1998). Reciprocal teaching goes to college: Effects for postsecondary students at risk for academic failure. *Journal of Educational psychology*. 90 (4), 670-681.

Klingner, Janette- Kettmann; Vaughn, Sharon (1996). Reciprocal teaching of reading comprehension strategies for students with learning disability whose English as a second language. *Elementary School Journal*. 96(3).

Palincsar, A. S & Brown, A. L. (1984) Reciprocal teaching in comprehension – fostering and comprehension- monitoring activities . MC- Grow- Hill.

Speece, Deborah- L'.Mc Donald (1997) Preservice teachers reflect on reciprocal teaching. *Research and Practice*, 12,3-19.

